

فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)

سال پنجم، شماره سوم، (پیاپی ۱۸)، پاییز ۱۳۹۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲

صص: ۸۵-۱۰۴

بررسی رابطه اسکان مجدد و سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی

(مطالعه موردی روستاهای سیلزده شرق استان گلستان)

امین محمدی استادکلایه^{۱*}، محمد امین خراسانی^۲

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گنبد، گنبد، ایران

۲- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

بارش باران‌های شدید در مرداد ۱۳۸۴ در نواحی شرقی استان گلستان منجر به رخداد دو سیل ویرانگر گردید که این سیلاب‌ها از جمله خسارت‌بارترین سیل‌های رخ داده در کشور بود. به منظور جلوگیری از تکرار مجدد رویداد سیل در مناطق سیلزده، به جابه‌جایی محدود ۳ روستا و جابه‌جایی توأم با تجمیع یازده روستای شهرستان‌های کلاله و مراوه‌تپه که در سیلاب‌های اخیر گرگان رود و سرشاخه‌های آن خسارات زیادی دیده بودند، به منطقه فراغی اقدام گردید. هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی تأثیرات جابه‌جایی روستاهای آسیب‌دیده از سیل بر میزان سرمایه اجتماعی ساکنین محلی با استفاده از شاخص‌های ذهنی است. بدین منظور سه قلمرو اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام و همبستگی اجتماعی برای مطالعه سرمایه اجتماعی در ناحیه مورد مطالعه انتخاب شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش، خانوارهای محلی ساکن در روستاهای محدوده‌ی مطالعاتی است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۰۰ سرپرست خانوار به‌عنوان حجم نمونه تعیین شدند. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. جهت مقایسه دو الگوی جابه‌جایی محدود و تجمیع، از آزمون t نمونه‌های مستقل استفاده گردید. نتیجه این آزمون نشان‌دهنده آن است که بین الگوهای اسکان مجدد تفاوت معنی‌داری در زمینه میزان تغییرات سرمایه اجتماعی وجود ندارد. تحقیق بیانگر بهبود وضعیت مشارکت در هر دو الگوی اسکان مجدد، عدم تغییر در شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی و کاهش میزان شاخص اعتماد اجتماعی در دو الگوی مورد مطالعه است.

پیشنهاد می‌گردد تا با حمایت از تشکیل و توسعه نهادهای مردم‌نهاد زمینه‌های تقویت انسجام و اعتماد بین اهالی فراهم گردد.

واژه‌های کلیدی: اسکان مجدد، سرمایه‌ی اجتماعی، بلایای طبیعی، نواحی روستایی، استان گلستان.

طرح مسئله

سوانح طبیعی همچون زلزله، سیل و طوفان به‌عنوان پدیده‌های تکرارپذیر در طول حیات کره زمین همواره وجود داشته‌اند و همیشه خطری جدی برای توسعه، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه به شمار می‌روند (Aldrich, 2002, p158). افزایش میزان وقوع بلایای طبیعی در جهان هر ساله باعث افزایش شمار افراد بی‌خانمان شده است. تنها در سال ۲۰۱۳ میلادی بالغ بر ۷۳۹۵۴ نفر اثر بروز بلایای طبیعی در جهان جان خود را ازدست داده و بیش از ۲/۹ میلیون نفر نیز سکونتگاه‌های خود را ازدست داده‌اند (EM-DAT, 2014). در طی دهه گذشته کشورهای آسیایی بیشترین تعداد قربانیان بلایای طبیعی را به خود اختصاص داده‌اند (Guha-Sapir et al, 2012).

پیشینه تاریخی حوادث رخ داده بیانگر این واقعیت است که کشور ایران همواره به خاطر داشتن ساختارهای مکانی-فضایی ویژه، بحران‌های طبیعی زیادی را متحمل شده و یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط جهان در برابر مخاطرات محیطی بوده است. بنابراین با توجه به اهمیت مسئله در ابعاد مختلف مکانی-فضایی و به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری در برابر بلایا، توجه و به‌کارگیری روش‌هایی همچون مدیریت ریسک بلایا و بازسازی نواحی پس از حادثه ضرورتی اساسی است (پور طاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

اغلب برنامه‌های بازسازی پس از سانحه، سیاست جابه‌جایی کل یا بخشی از سکونتگاه، به‌عنوان راه‌حلی مناسب از لحاظ فنی، جهت کاهش خطر و ایمنی از پدیده‌هایی چون زلزله، سیل، رانش زمین و غیره مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. هدف کلی اسکان مجدد روستایی، ایجاد زمینه مناسب برای استقرار روستاهای واقع در پهنه‌های پرخطر و روستاهایی است که بنا به دلایل مختلف جابه‌جایی آن‌ها ضروری است، به‌طوری‌که وضعیت معیشتی و رفاه ساکنین از جنبه‌های مختلف پس از جابه‌جایی و گذشت فاصله زمانی کوتاه بهبود یابد. بر این اساس ضروری است اسکان مجدد و مکان‌یابی بهینه مکان استقرار روستاها بر مبنای روش‌های مناسب و منطبق با ویژگی‌های محیطی صورت پذیرد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۸).

مکان‌یابی و جابه‌جایی روستا بدون انجام مطالعات دقیق، عواقب مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطی و کالبدی را در پی خواهد داشت که این مداخلات می‌تواند زمینه‌ساز ناپایداری محیط روستایی شده و آن را دچار آشفتگی سازد. این شرایط باعث می‌شود تا ارزش‌های اقتصادی، طبیعی و کالبدی سرزمین همچنین زیبایی طبیعی، روح و هویت مکان روند فرساینده را تجربه کنند (فیروز نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۰).

بررسی تجارب مختلف حاکی از آن است به علت فقدان قوانین و دستورالعمل‌های مربوط به چگونگی مداخله در سکونتگاه‌های روستایی و از سویی نبود تعریفی فراگیر از مفاهیم درجاسازی و جابه‌جایی در سیاست‌های مداخله‌ای، ابهام در کاربرد این رویکردها و عدم مشارکت روستاییان در فرآیند بازسازی روستای جدید، پیامدهای جابه‌جایی به‌گونه‌ای بوده که عموماً بازماندگانی که جابه‌جا شده‌اند از جابه‌جایی رضایت نداشته و جابه‌جایی اغلب

به از دست دادن خوداتکایی روستاییان، حس تعلق به مکان و در مواردی خالی از سکنه ماندن واحدهای احداثی در روستای جدید، منجر شده است (مسگری هوشیار، ۱۳۸۷، ۲۷).

استان گلستان با جمعیتی بالغ بر ۱۷۷۷۰۱۴ نفر از جمله استان‌های حادثه‌خیز کشور است. سیلاب یکی از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر رودخانه‌های استان است (اردلان و همکاران، ۱۳۸۵، ۵). بررسی‌های افتخاری و همکاران نشان می‌دهد از بین ۲۳۶ روستای حوزه آبخیز گرگان رود در استان گلستان، تعداد ۱۵۶ روستا در گروه روستاهای با خطر سیل بالا، ۴۴ روستا در گروه روستاهای با خطر سیل متوسط و ۳۶ روستا در گروه روستاهای با خطر سیل پایین قرار دارند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

بارش باران‌های شدید در مرداد ۱۳۸۴ در نواحی شرقی استان گلستان منجر به رخداد دو سیل ویرانگر گردید که این سیلاب‌ها از جمله خسارت‌بارترین سیل‌های رخ داده در کشور بود (Sharifi et al, 2012, p533). به‌منظور جلوگیری از تکرار مجدد رویداد سیل در مناطق سیل‌زده، اقدام به انتقال سه روستا به صورت محدود به فواصل کمتر از دو کیلومتر از محل قدیم روستاها و همچنین جابه‌جایی توأم با تجمیع یازده روستا به منطقه فراغی گردید (منتظریون، ۱۳۹۰: ۱۴). تاکنون مطالعات متعددی در زمینه اثرات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی اجرای طرح‌های اسکان مجدد صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعات زهران و همکاران^۱ (۲۰۱۱)، اردشیری (۱۳۸۸)، منتظریون (۱۳۹۰)، پیک و همکاران^۲ (۲۰۱۴) اشاره نمود؛ اما در خصوص اثرات الگوهای مختلف اسکان مجدد بر شاخص‌های سرمایه اجتماعی تاکنون تحقیقات معدودی صورت گرفته است. بررسی‌های به‌عمل‌آمده توسط ناوارا و همکاران^۳ (۲۰۱۳)، در خصوص سرمایه اجتماعی در طرح‌های جابه‌جایی و اسکان مجدد مؤید این موضوع است که توجه به موضوع سرمایه اجتماعی می‌تواند به ایجاد بینش جدید در این طرح‌ها منجر گردد.

با اجرای طرح جابه‌جایی روستاهای سیل‌زده واقع در شرق استان گلستان، دگرگونی‌هایی در ابعاد مختلف فضایی-کالبدی این روستا پدید آمده است و سیستم اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستا به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است؛ سؤال اساسی تحقیق حاضر، عبارت است از:

تأثیرات جابه‌جایی روستاهای آسیب‌دیده از سیل بر میزان سرمایه اجتماعی ساکنین محلی به چه میزان بوده است؟

سرمایه اجتماعی

یکی از مفاهیمی که در دهه‌های گذشته مورد استقبال قرار گرفته موضوع سرمایه اجتماعی است، سرمایه اجتماعی مفهومی جدید، پیچیده و مهم است که امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه در هر جامعه‌ای مطرح است، همچنین پیامدهای توسعه‌ای سرمایه اجتماعی در حوزه‌ها و سطوح مختلف مورد بحث قرار گرفته است

1 -Zahran et al
2 -Peek et al
3 Navarra et al

(فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵، ۱۷). سرمایه اجتماعی مجموع هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده، موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد (منظور و یادی پور، ۱۳۸۷، ۴۴).

اولین نظریه عمده در باب سرمایه اجتماعی توسط جیمز کلمن^۱ در ۱۹۸۸ ارائه شد (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷، ۱۳۹). سرمایه اجتماعی انسجام بخش روابط میان انسان‌ها با سازمان‌ها و شبکه‌های ارتباط جمعی و گروهی است که در نبود آن، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست داده و پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار خواهد بود (پاپ‌زن و همکاران، ۱۳۹۰، ۲ و ۳). کلمن سرمایه اجتماعی را شامل جنبه‌ای از ساختار اجتماعی و روابط واقعی کنشگران می‌داند (Spelleberg, 2001, p10). سرمایه اجتماعی اندازه‌گیری از سطح اعتماد اجتماعی و روابط فعال در شبکه‌های اجتماعی یک جامعه است (Lane and Dorfmon, 1997, p7). پوتنام^۲ سرمایه اجتماعی را شامل اجزاء اصلی سازمان اجتماعی، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که می‌توانند کارایی اجتماعی را با تسهیل کنش‌های هماهنگ، بهبود دهند تعریف می‌کند (Filizm, 2003, p5). همچنین به‌عنوان یک منبع جامعه از شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد مشاهده شده است که می‌تواند جهت ارتقای ظرفیت جامعه برای توسعه ترسیم شود (Kilpatrick, 2003, p2). در واقع، سرمایه اجتماعی شامل جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنش اجتماعی را تسهیل کرده و منابعی را جهت دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار آن‌ها می‌گذارد (Chuang and cheng, 2010, p 1322). بارت ۱۹ معتقد است که سرمایه اجتماعی نقش مهمی در تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی، مشارکت در حوادث غیرمترقبه، توزیع بهینه منابع و امکانات و منابع، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش بهره‌وری نیروی کار و کاهش بیکاری در مناطق روستایی دارد (Barrett, 2008, pp12-14) که به دنبال آن می‌توانیم شاهد افزایش سطح کیفیت زندگی و بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان باشیم تا در نهایت منجر به تثبیت جغرافیایی روستاییان در مناطقی شود (Falk and Kilpatrick. 1999, p20).

اهمیت سرمایه اجتماعی به دلیل تأثیراتی است که بر استعداد روستائیان در جهت سازمان‌دهی برای توسعه می‌گذارد. این تأثیرات عبارت‌اند از ۱- ارتباط متقابل برای ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌ها ۲- بسیج منابع و اعمال مدیریت در آن‌ها ۳- اعمال مشارکت عمومی و ارزیابی آراء و مسئله‌یابی ۴- ارائه راهکارهای حل مشکلات. این چهار کار تأثیراتی است که سرمایه اجتماعی بر روی سازمان‌دهی توسعه روستاها انجام می‌دهد و روند آن در جهت رسیدن به رفاه عمومی جوامع روستایی است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۶).

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

برخی عناصر اصلی سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: آگاهی به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت غیررسمی مذهبی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، شرکت در اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها

^۱. Coleman, James

^۲. Putnam, Robert

و مؤسسات مدنی رسمی. با این وجود مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی که در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت‌کننده دیگری‌اند از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. در زیر به معرفی سه شاخص کلیدی سرمایه اجتماعی پرداخته شد:

۱- مشارکت اجتماعی به معنای شرکت فعالانه و ارادی (مستقیم و غیرمستقیم) انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به‌طور کلی تمامی ابعاد زندگی است (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۹، ۸۹). مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه، در امور محله شهر و روستا شرکت کرده و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (اکبری‌ان و فتحی، ۱۳۹۱، ۸۱).

۲- اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به نهادهای مربوطه به زندگی اجتماعی‌شان دارند. اعتماد دارای دو بعد امنیت شخصی، انتظار همکاری و سود متقابل است (کیانی و میرزا پور، ۱۳۸۸، ۱۳۲). اعتماد اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین سازه سرمایه اجتماعی و یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عاملی بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پرمخاطره مدرن است. عدم توجه به اعتماد سبب تأخیر در کارها و هزینه‌بر شدن آن‌ها، خلل در روابط و تعاملات و باعث ایجاد مشکلاتی در مشارکت اجتماعی، نظم اجتماعی، سلامت اجتماعی و به‌طور کلی توسعه همه‌جانبه می‌شود (کتابی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰۰).

۳- انسجام اجتماعی با توافق جمعی میان اعضاء یک جامعه که حاصل پذیرش، درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی و تراکمی از وجود تعامل‌ها، در میان افراد آن جامعه بیان می‌شود (کلمن، ۱۳۸۶، ۳۷). انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. به عبارتی انسجام در کل، ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶: ۲۸۶). انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنا پیدا می‌کند. دورکیم احساسی را در میدان تعاملی به وجود می‌آید عاطفه جمعی می‌نامد. از نظر دورکیم عاطفه جمعی عمیقاً طی مناسک جمعی به وجود می‌آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۰، ۲).

اسکان مجدد

جابه‌جایی‌ها به‌مثابه پارادایم معاصر در علوم اجتماعی، ناظر به بررسی جابه‌جایی افراد، ایده‌ها و اشیا و همچنین دلالت‌های اجتماعی گسترده‌تر این جابه‌جایی‌ها است. اسکان مجدد که با واژه‌هایی مختلف مانند جابه‌جایی یا تغییر مکان نیز شناخته می‌شود، اصولاً به معنای هر نوع جابه‌جایی یا تغییر اساسی در محل سکونت خانوارها است. اسکان مجدد غالباً به اجتناب از اسکان در مکان پیشین، جستجوی اشتغال جدید و جبران خسارت ناشی از زیان مادی جابه‌جایی می‌انجامد (جلالیان و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۸۱).

سیاست اسکان مجدد یکی از انواع سیاست‌ها در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی است که به‌منظور توسعه روستایی و به‌ویژه نظام بخشی به توزیع بهینه نقاط روستایی و تأمین امکانات و خدمات موردنیاز روستائیان مطرح شده است (Agba et al, 2010, p51). به‌طورکلی اسکان مجدد روستایی بیشتر پس از وقوع حوادث طبیعی در مناطق روستایی انجام می‌شود که می‌تواند به رفع مشکلات مردم روستایی کمک بسیاری کند. اسکان مجدد مردم روستایی اگرچه در مواقع بحرانی ضروری است، اما باید متناسب با شرایط محلی اجتماعی و اقتصادی مردم روستایی و در قالب طرح‌ها اجرا شود. اگر این عمل موردتوجه برنامه‌ریزان قرار نگیرد ممکن است شاهد ترک مردم روستایی از محل‌های جدید اسکان خواهیم بود.

در ادبیات توسعه روستایی دو دیدگاه و یک استراتژی درباره جابه‌جایی مکانی و ادغام روستاها وجود دارد. با توجه به رویکردهای موجود به موضوع پژوهش سه جنبه موردتوجه در دیدگاه‌ها و استراتژی معطوف به جابه‌جایی و ادغام عبارت‌اند از دیدگاه موافق، دیدگاه مخالف و استراتژی معطوف به توسعه که می‌توان آن را تلفیقی از دو دیدگاه موافق و مخالف در نظر گرفت.

استدلال برخی از تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران منطقه‌ای و ملی در موافقت با جابه‌جایی و ادغام روستاها ناظر بر این امر است که پراکنش روستاها در نقاط متعدد سرزمین مانعی عمده در جهت توسعه روستایی به شمار می‌آید و با تمرکز واحدهای خدماتی در نقاط روستایی می‌توان به میزان کارایی آن‌ها افزود و شرایط زندگی مردمان با تمرکز مکانی و فضایی خدمات مطلوب‌تر خواهد شد (توکلی، ۱۳۸۰، ۴۶).

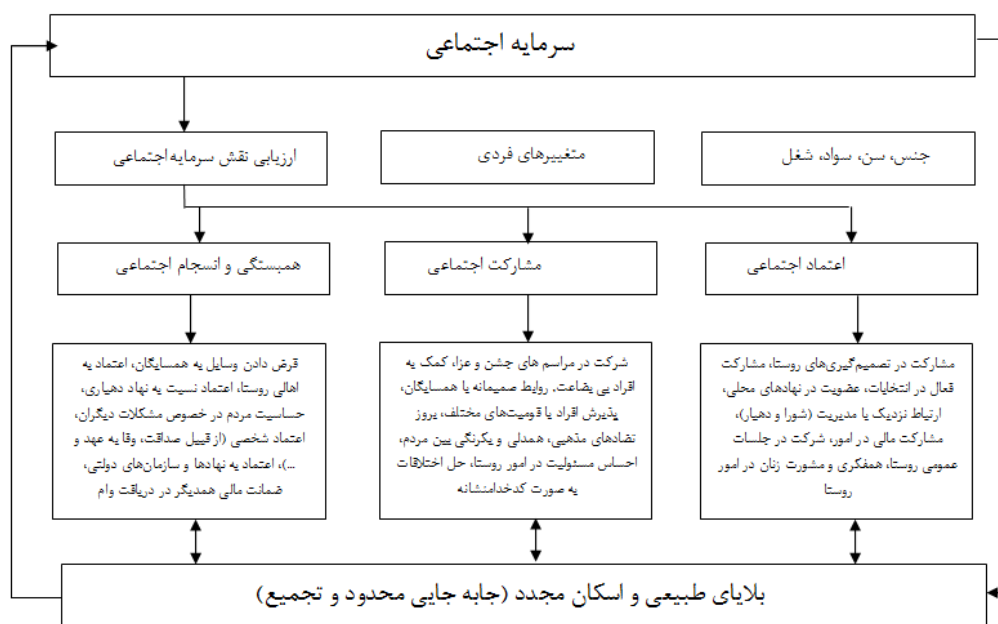
در مقابل، گروهی از اندیشمندان به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی با اشاره به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جابه‌جایی و ادغام روستاها، بر این باورند که تا حد امکان باید تلاش در حفظ روستاها در مکان‌های اصلی خود نمود. به اعتقاد این صاحب‌نظران، روستا تنها یک فضای فیزیکی نیست که به‌سادگی بتوان آن را از جایی به جایی دیگر منتقل کرد. هر روستا دارای هویتی مستقل است و زندگی و روابط ذهنی آن بسیار غنی و پیچیده است. به‌زعم برخی از این اندیشمندان، جابه‌جایی و ادغام روستاها سبب گسستگی در وحدت و پیوستگی مردم و زوال حافظه جمعی و احساس هویت می‌گردد (توکلی، ۱۳۸۰، ۱۲). سرانجام این‌که برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی که به‌طور مشخص به جابه‌جایی انسان‌ها و ادغام مجموعه‌ای زیستی در هنگام بازسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله اشاره کرده‌اند، بر این باورند که جابه‌جایی انسان‌ها می‌تواند منجر به طولانی شدن بحران حاصل از وقوع فاجعه‌ای طبیعی شود و سبب بروز عوارضی مانند تحلیل ذخیره‌های اقتصادی و اجتماعی و وابستگی به کمک‌های خارجی و غیره گردد که در درازمدت دست‌کمی از عوارض نخستین فاجعه‌ها ندارند (مشیری، ۱۳۹۰، ۱۰۰).

اما در استراتژی معطوف به توسعه هدف از جابه‌جایی و اسکان مجدد جمعیت‌های روستایی بهبود وضعیت فعلی جمعیت تحت پوشش طرح و ارتقای زندگی آنان به سطحی قابل‌قبول‌تر در چارچوب توسعه منطقه‌ای و ملی است (فتحی و مطلق، ۱۳۸۹، ۳). ماهیت این استراتژی این است که پروژه‌های توسعه که در آن مبادرت به جابه‌جایی مردمان به‌ویژه به‌صورت اجباری می‌شود، معمولاً مشکلات اقتصادی، اجتماعی و محیطی شدیدی را به بار

می‌آورند. زیرا نظام‌های تولید در معرض تهاجم قرار می‌گیرند، دارایی‌ها و منابع تولیدی و درآمدزا از دست می‌روند، انسان‌ها در محیط تازه‌ای اسکان می‌یابند که امکان استفاده از مهارت‌ها و قابلیت‌های تولیدشان کاهش می‌یابد و از طرف دیگر رقابت برای دستیابی به منابع بیشتر می‌شود. ساختار محلی شبکه‌های روابط اجتماعی تضعیف می‌شوند، گروه‌های خویشاوندی پراکنده می‌شوند و نهایتاً اینکه هویت فرهنگی، اقتدار سنتی و قابلیت همکاری‌های متقابل از میان می‌رود. در صورت عدم اتخاذ اقدامات مناسب و برنامه‌ریزی صحیح، جابه‌جایی اجباری ممکن است سبب وارد آمدن فشارهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی شدیدی بر انسان‌های درگیر طرح شود (World Bank, 2010, p5).

مدل مفهومی تحقیق

با توجه به بنیان نظری تحقیق و نظریه‌های مختلفی که در زمینه سرمایه اجتماعی و الگوهای اسکان مجدد و با استفاده از طرح پانل واپس نگر چارچوب نظری این پژوهش مطابق شکل شماره ۱ طراحی گردید:



شکل - ۱: مدل مفهومی تحقیق (منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

پیشینه تحقیق

تحقیقات کمی در ارتباط با سرمایه اجتماعی و اسکان مجدد وجود دارد که در این بخش به تعدادی از ه در رابطه با موضوع موردبررسی استناد می‌شود.

پاترسون و همکاران^۱ (۲۰۱۰) در مقاله نقش جامعه محلی در واکنش به سانحه، با تمرکز بر روی نقش سرمایه اجتماعی در کاهش آسیب‌پذیری جامعه در برابر سوانح طبیعی به اهمیت شبکه‌های اجتماعی، نگرش، اعتماد بین افراد و انسجام اجتماعی اشاره کرده‌اند.

میماکا و شاو^۲ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان ارتقای آمادگی در برابر سوانح با سرمایه اجتماعی و ظرفیت محلی، در منطقه روستایی کوچی در ژاپن علاوه بر تعریف عوامل مؤثر با استفاده از روش میدانی به این نتیجه رسیدند که این منطقه با توجه به نوع روابط اجتماعی، رهبری محلی، سیستم نهادی و ... نقش مهمی در آماده‌سازی جامعه محلی در برابر سوانح طبیعی دارد.

پیلینگ^۳ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان آسیب‌پذیری شهرها: سوانح طبیعی و تاب‌آوری اجتماعی، سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی) شبکه‌ای شده را از اصول کلیدی برای مداخلات قوی در مدیریت سانحه قلمداد می‌کند و آن را باعث بالا رفتن میزان همبستگی و اعتماد به قوانین در سطح جامعه محلی می‌شود.

خواجه دادی و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی تحت عنوان سرمایه اجتماعی حلقه مفقوده بازسازی پس از بلایا، پس از توصیف سرمایه اجتماعی و فواید آن، نقش این سرمایه را در کنار نقش رهبران محلی در بازسازی بلایا تشریح نمودند و نتیجه‌گیری کردند سرمایه اجتماعی سرعت بازسازی را افزایش می‌دهد اما نقش رهبران محلی در به‌کارگیری سرمایه اجتماعی مردم در فرایند بازسازی و تسهیل تصمیم‌گیری جمعی را نباید نادیده گرفت. سرمایه اجتماعی و رهبران محلی مؤثرترین عناصر در تقویت فعالیت‌های جمعی و بازسازی پس از بلایا می‌باشند. غفلت از نقش سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های پس از بلایا، موجب عدم حمایت ذی‌نفعان، مردم و کاهش سرعت عملیات بازسازی شده و برنامه‌ها را عملاً با مشکل مواجه می‌کند؛ بنابراین بدون وجود سرمایه اجتماعی در اجتماعات، برنامه‌های مراکز تصمیم‌گیری، چه در زمان وقوع بلایا و چه پس‌از آن، با عناوین زیبا، در آرشیو سازمان‌ها می‌مانند و اجرای آن‌ها با شکست مواجه خواهد شد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک سازه مفهومی مهم در ادبیات برنامه‌ریزی روستایی و عاملی مهم در توفیق طرح‌های اسکان مجدد در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است و موضوع مورد بررسی در این تحقیق از تازگی خاصی برخوردار است. همچنین روستاهای مورد مطالعه دارای تجربه طولانی پس از اسکان مجدد هستند و در چنین شرایطی می‌توان اقدام به سنجش سرمایه اجتماعی مردم پس از رسیدن به ثبات در استقرار گاه جدید نمود.

سؤال‌ها و فرضیه‌ها

با توجه به هدف مطرح‌شده، سؤال‌های زیر در راستای انجام تحقیق مطرح می‌گردد:

۱- آیا جابه‌جایی روستاها در بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی روستائیان نقش داشته است؟

^۱ Patterson et al.

^۲ Mimaki, J. and Shaw

^۳ Pelling

۲- آیا تفاوت معنی‌داری بین میزان سرمایه اجتماعی در الگوهای اسکان مجدد (الگوی جابه‌جایی محدود و الگوی جابه‌جایی توأم با تجمیع) وجود دارد؟

بر مبنای سؤالات مطرح شده در این پژوهش و اهداف تحقیق، فرضیات زیر متناظر با سؤالات مذکور پیشنهاد می‌شود:

۱- اجرای الگوهای مختلف اسکان مجدد در بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه تأثیرگذار بوده است.

۲- بین الگوهای مختلف اسکان مجدد تفاوت معناداری در زمینه تأثیرگذاری بر سرمایه اجتماعی وجود دارد.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش انجام آن توصیفی تحلیلی است. گردآوری داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش اسنادی و میدانی تهیه شده که روش میدانی مبتنی بر ابزار پرسش‌نامه است. جهت تعیین تعداد پرسشنامه مورد نیاز (حجم نمونه) در تحقیق حاضر از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به فرمول کوکران، سطح اطمینان ۹۵ درصد و ضریب خطای ۰/۰۵، تعداد ۲۰۰ خانوار برای تکمیل پرسشنامه انتخاب گردیدند. در ارتباط با رابطه‌ی اسکان مجدد و سرمایه‌ی اجتماعی به‌طور مستقیم نظریه‌ها و تئوری‌های حمایت‌کننده‌ای وجود ندارد؛ بلکه به‌طور غیرمستقیم می‌توان از نظرات و دیدگاه‌ها پیرامون سرمایه‌ی اجتماعی و نیز اثرات اسکان مجدد در نواحی روستایی سود برد و با مطالعه و تلفیق آن‌ها در راستای بررسی رابطه‌ی اسکان مجدد و سرمایه‌ی اجتماعی در نواحی روستایی گام برداشت. با توجه به مرور مطالعات و تحقیقات انجام شده، معیارهای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی سه معیار شامل اعتماد اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی (جدول ۱) می‌باشند. روایی پرسشنامه‌ها با نظر پانل متخصصان و صاحب‌نظران تأیید گردید. جهت تعیین پایایی پرسشنامه با استفاده از ۳۰ پرسشنامه، پیش‌آزمون انجام شد که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مجموع ابعاد، ۰/۹۰۲ به دست آمد.

جدول- ۱: معیارها و شاخص‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی

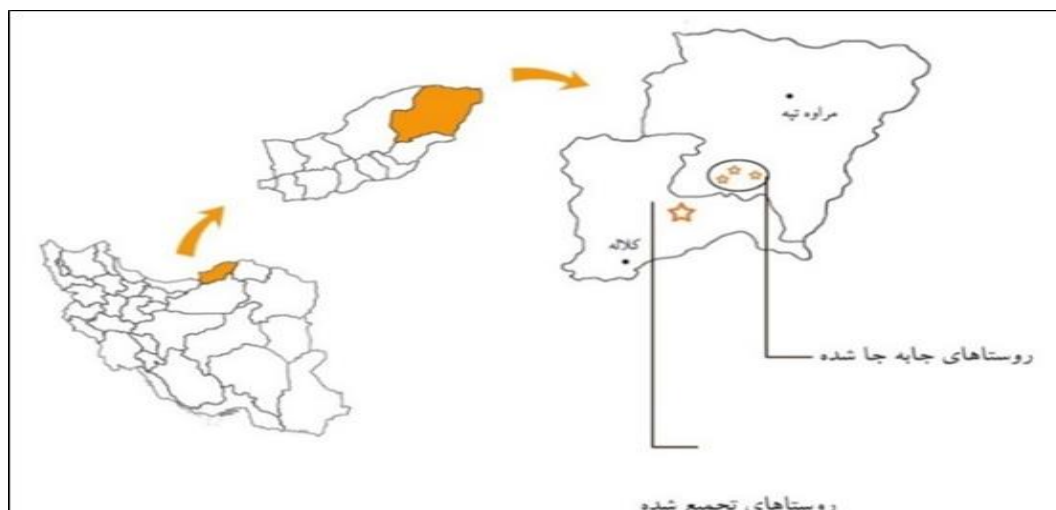
| معیار | شاخص |
|------------------|--|
| اعتماد | قرض دادن وسایل به همسایگان، اعتماد به اهالی روستا، اعتماد نسبت به نهاد دهیاری، حساسیت مردم در خصوص مشکلات دیگران، اعتماد شخصی (از قبیل صداقت، وفا به عهد و ...)، اعتماد به نهادها و سازمان‌های دولتی، ضمانت مالی همدیگر در دریافت وام |
| انسجام و همبستگی | شرکت در مراسم‌های جشن و عزا، کمک به افراد بی‌بضاعت، روابط صمیمانه با همسایگان، پذیرش افراد با قومیت‌های مختلف، بروز تضادهای مذهبی، همدلی و یکرنگی بین مردم، احساس مسئولیت در امور روستا، احترام به بزرگ‌ترها توسط کوچک‌ترها، حل اختلافات به‌صورت کدخدامنشانه |
| مشارکت | مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا، مشارکت فعال در انتخابات، عضویت در نهادهای محلی از قبیل شورای روستا، ارتباط نزدیک با مدیریت (شورا و دهیار)، مشارکت مالی در امور روستا، شرکت در مراسم‌های عمومی روستا، همفکری و مشورت زنان در امور روستا |

توزیع پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی-سیستماتیک در بین خانوارهای ساکن صورت گرفت. با توجه به اینکه تکمیل پرسشنامه به تنهایی ابزاری کافی برای گردآوری اطلاعات تشخیص داده نشد، از طریق مشاهده میدانی، مصاحبه‌های عمیق موردی و گروهی با ساکنین و بررسی اسناد و مدارک موجود سعی در گردآوری اطلاعات موردنیاز شد. برای پرسش‌نامه‌های مورد استفاده اساساً از سؤالات بسته با پاسخ‌های در طیف لیکرت پنج مقیاسی (خیلی بهتر شده: ۵ تا خیلی بدتر شده: ۱) استفاده شده‌اند. در گام دیگر پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و رفع نواقص احتمالی، اطلاعات موردنیاز از پرسشنامه‌ها استخراج شده و جهت رسیدن به اهداف تحقیق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش اسکان مجدد در سرمایه اجتماعی روستائیان، از آزمون t استفاده شده است.

محدوده و قلمرو پژوهش

محدوده مورد مطالعه از نظر سیاسی-اداری، منطبق بر بخش‌هایی از شهرستان‌های کلالة و مراوه‌تپه در شرق استان گلستان است. مراکز جمعیتی در تحقیق حاضر شهر فراغی (تجمع ۱۱ روستای قزل‌اطاق، آق‌طوقه، چاتال، خوجه‌لر، کروک، پاشایی، قپان‌علیا، قپان‌سفلی، سید لر، شیخ‌لر و دوجی) و سه روستای قولاق‌کسن، بق‌قجه بالا و بق‌قجه پایین می‌باشند. بیشترین فاصله شهر فراغی از محل روستاهای قبلی ۲۵ کیلومتر و فاصله سایت‌های بق‌قجه پایین، بق‌قجه بالا و قولاق‌کسن از محل روستاهای قبلی به ترتیب یک، یک و دو کیلومتر است.

جامعه آماری تحقیق حاضر سرپرستان خانوارهای روستایی در روستاهای مورد مطالعه به تعداد ۱۰۴۳ خانوار در شهر جدید فراغی و ۳۴۹ خانوار سه روستای جابه‌جاشده در سال ۱۳۹۱ است. با توجه به تشکیل شهر جدید فراغی از تجمع ۱۱ روستای جابه‌جاشده که به صورت محلات جدا از هم در کنار یکدیگر اسکان یافته‌اند، در این تحقیق چهار روستای پاشایی، چاتال، قزل‌اطاق و کروک از شهر جدید فراغی (الگوی تجمع) و روستای بق‌قجه پایین (از الگوی جابه‌جایی محدود) جهت نمونه‌برداری انتخاب شدند. در شکل-۲، موقعیت روستاهای مورد مطالعه نشان داده شده است.



شکل-۲: موقعیت منطقه مورد مطالعه

بحث و نتایج

نتایج توصیفی

نتایج حاصل از توصیف ویژگی‌های نمونه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیش‌تر پاسخگویان (۵۳ درصد) بین ۲۰ تا ۴۵ سال سن دارند. بیش از ۵۴ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم هستند که از این میان ۱۴ درصد بی‌سوادند. حدود ۴۶ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم یا بالاتر از دیپلم هستند. از نظر اشتغال ۴۱ درصد از پاسخ‌دهندگان شاغل‌اند که شغل کشاورزی با ۵۶ درصد بیش‌ترین میزان اشتغال را به خود اختصاص داده است. بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان مالک واحد مسکونی می‌باشند. بیش از ۸۲ درصد از پاسخگویان به‌صورت دائم در محل جدید اقامت داشته و ۱۸ درصد نیز به‌طور موقت در محل جدید زندگی می‌کنند.

یافته‌های تحقیق

در زیر یافته‌های حاصل از بررسی قلمروهای سه‌گانه سرمایه اجتماعی ارائه می‌گردد. در ابتدا اعتماد اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین رکن سرمایه اجتماعی، مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است.

اعتماد اجتماعی:

در قلمرو اعتماد اجتماعی که با کمک گویه‌های قرض دادن وسایل به همسایگان، اعتماد به اهالی روستا، اعتماد نسبت به نهاد دهیاری، حساسیت مردم در خصوص مشکلات دیگران، اعتماد شخصی (از قبیل صداقت، وفا به عهد و...)، اعتماد به نهادها و سازمان‌های دولتی، ضمانت مالی همدیگر در دریافت وام، مورد سنجش قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد در هر دو الگوی مورد مطالعه در این شاخص مشاهده گردید. میانگین امتیاز شاخص اعتماد اجتماعی در الگوی جابه‌جایی و تجمع، به ترتیب ۲/۸۳۷۱ و ۲/۵۱۵۹ است؛ که بیانگر

کاهش میزان اعتماد اجتماعی در هر دو الگوی مورد مطالعه نسبت به قبل از جابه‌جایی است. اکثر گویه‌ها در هر دو الگوی مورد بررسی با نظر کاملاً مخالف پاسخگویان مواجه شده‌اند.

همچنین یافته‌های حاصل از تجمیع گویه‌های تبیین‌کننده شاخص اعتماد اجتماعی در جدول زیر نشانگر وجود تفاوت معنی‌دار میان شاخص اعتماد اجتماعی بین الگوهای مورد مطالعه و حد متوسط گویه‌ها که عدد ۳ یعنی میانه نظری است. این تفاوت در سطح ۰/۰۵ معنادار برآورد شده است. در جدول ۲، تأثیر اسکان مجدد بر مؤلفه اعتماد اجتماعی الگوهای جابه‌جایی و تجمیع نشان داده شده است.

جدول-۲: برآورد معناداری سطح تفاوت شاخص اعتماد اجتماعی از حد وسط گویه‌ها در الگوهای جابه‌جایی و تجمیع

| شاخص | الگو | میانگین | اختلاف میانگین | T | سطح معنی‌داری |
|----------------|-----------|---------|----------------|---------|---------------|
| اعتماد اجتماعی | جابه‌جایی | ۲/۸۳۷۱ | -۰/۱۶۲۸۶ | -۳/۹۶۶ | ۰/۰۰۰ |
| | تجمیع | ۲/۵۱۵۹ | -۰/۴۸۴۰۸ | -۱۴/۷۵۴ | ۰/۰۰۰ |

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

همچنین نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل، نشان‌دهنده وجود اختلاف معنی‌دار در شاخص اعتماد اجتماعی بین دو الگوی مورد مطالعه است (جدول ۳).

جدول-۳: مقایسه الگوهای جابه‌جایی محدود و تجمیع در شاخص اعتماد اجتماعی

| آزمون t | | انحراف معیار | میانگین | تعداد نمونه | الگو | مؤلفه |
|----------------------|---------|--------------|---------|-------------|-----------|----------------|
| سطح معنی‌داری (درصد) | آماره t | | | | | |
| ۰/۰۰۰ | ۶/۱۱۱ | ۰/۲۹۰۳۸ | ۲/۸۳۷۱ | ۵۰ | جابه‌جایی | اعتماد اجتماعی |
| | | ۰/۴۰۱۸۵ | ۲/۵۱۵۹ | ۱۵۰ | تجمیع | |

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

همبستگی و انسجام اجتماعی:

در قلمرو همبستگی و انسجام اجتماعی که با استفاده از گویه‌های شرکت در مراسم‌های جشن و عزا، کمک به افراد بی‌بضاعت، روابط صمیمانه با همسایگان، پذیرش افراد با قومیت‌های مختلف، بروز تضادهای مذهبی، همدلی و یکرنگی بین مردم، احساس مسئولیت در امور روستا، احترام به بزرگ‌ترها توسط کوچک‌ترها، حل اختلافات به صورت کدخدانمناشه مورد ارزیابی قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۵ درصد در هر دو الگوی مورد مطالعه نسبت به قبل از جابه‌جایی مشاهده نگردید. در جدول ۴ نتایج به‌دست‌آمده برای گویه‌های شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی در الگوهای مورد مطالعه آورده شده است.

جدول-۴: برآورد معناداری سطح تفاوت شاخص انسجام اجتماعی از حد متوسط در الگوهای مختلف

| شاخص | الگو | میانگین | اختلاف میانگین | t | سطح معنی‌داری |
|-----------------|-----------|---------|----------------|-------|---------------|
| همبستگی اجتماعی | جابه‌جایی | ۳/۰۰۶۸ | ۰/۰۰۶۸۳ | ۰/۰۹۱ | ۰/۹۲۸ |
| | تجمیع | ۳/۰۰۸۱ | ۰/۰۰۸۱۱ | ۰/۲۱۶ | ۰/۸۲۹ |

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

یافته‌های حاصل از تجمیع گویه‌های تبیین‌کننده شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی، نشانگر عدم وجود تفاوت معنی‌دار این شاخص در هر دو الگوی موردبررسی و حد متوسط گویه‌ها در سطح ۰/۰۵ است. میانگین امتیاز همبستگی و انسجام اجتماعی در الگوهای جابه‌جایی محدود و تجمیع، به ترتیب ۳/۰۰۶۸ و ۳/۰۰۸۱ است؛ که بیانگر عدم تغییر در وضعیت مشارکت در هر دو الگوی اسکان مجدد است. همچنین نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل نشان‌دهنده عدم اختلاف معنی‌دار شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی بین دو الگوی مورد مطالعه است (جدول ۵).

جدول- ۵: مقایسه الگوهای جابه‌جایی محدود و تجمیع در شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی

| آزمون t | | انحراف معیار | میانگین | تعداد نمونه | الگو | مؤلفه |
|---------------|---------|--------------|---------|-------------|----------|----------------|
| سطح معنی-داری | آماره t | | | | | |
| ۰/۹۸۷ | ۰/۰۱۶ | ۰/۵۲۹۲۶ | ۳/۰۰۶۸ | ۵۰ | سه روستا | همبستگی و |
| | | ۰/۴۵۹۵۸ | ۳/۰۰۸۱ | ۱۵۰ | فراغی | انسجام اجتماعی |

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

مشارکت اجتماعی:

در قلمرو مشارکت اجتماعی که با کمک گویه‌های مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا، مشارکت فعال در انتخابات، عضویت در نهادهای محلی، ارتباط نزدیک با مدیریت (شورا و دهیار)، مشارکت مالی در امور، شرکت در جلسات عمومی روستا، همفکری و مشورت زنان در امور روستا، موردسنجش قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد بین الگوها با وضعیت قبل از جابه‌جایی مشاهده گردید. میانگین امتیاز مشارکت اجتماعی در دو الگوی جابه‌جایی محدود و تجمیع، به ترتیب ۳/۱۹۸۶ و ۳/۳۲۲۵ است؛ که بیانگر بهبود وضعیت مشارکت در هر دو الگوی اسکان مجدد است. مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته با اهالی نشان داد، ساکنین از مشارکت در جهت دریافت امتیازات از نهادهای دولتی بهره می‌برند. در جدول ۶ نتایج به‌دست‌آمده برای گویه‌های مشارکت اجتماعی در الگوهای مورد مطالعه آورده شده است.

جدول- ۶: برآورد معناداری سطح تفاوت شاخص مشارکت اجتماعی از حد متوسط در الگوهای موردبررسی

| شاخص | الگو | میانگین | اختلاف میانگین | T | سطح معنی‌داری |
|----------------|-----------|---------|----------------|-------|---------------|
| مشارکت اجتماعی | جابه‌جایی | ۳/۱۹۸۶ | ۰/۱۹۸۵۷ | ۲/۹۰۶ | ۰/۰۰۵ |
| | تجمیع | ۳/۳۲۲۵ | ۰/۳۲۲۵۱ | ۷/۴۲۸ | ۰/۰۰۰ |

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

همچنین نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل نشان‌دهنده عدم وجود اختلاف معنی‌دار در شاخص مشارکت اجتماعی بین دو الگوی مورد مطالعه است (جدول ۷).

جدول- ۷: مقایسه الگوهای جابه‌جایی محدود و تجمیع در شاخص مشارکت اجتماعی

| آزمون t | | انحراف معیار | میانگین | تعداد نمونه | الگو | مؤلفه |
|---------------|---------|--------------|---------|-------------|----------|---------|
| سطح معنی‌داری | آماره t | | | | | |
| ۰/۱۴۶ | -۱/۴۵۹ | ۰/۴۸۳۲۵ | ۳/۱۹۸۶ | ۵۰ | سه روستا | مشارکت |
| | | ۰/۵۳۱۷۸ | ۳/۰۰۸۱ | ۱۵۰ | فراغی | اجتماعی |

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

به‌منظور پاسخگویی به این سؤال که آیا تفاوت معنی‌داری بین میزان سرمایه اجتماعی در الگوهای اسکان مجدد (الگوی جابه‌جایی محدود و الگوی جابه‌جایی توأم با تجمیع) وجود دارد، از آزمون t نمونه‌های مستقل استفاده گردید. در جدول ۸ آماره‌های مربوط به دو گروه و در جدول ۹، آزمون t دو نمونه مستقل ارائه شده است.

جدول- ۸: آماره‌های مربوط به دو گروه

| خطای استاندارد | انحراف معیار | میانگین | تعداد | الگو | پارامتر |
|----------------|--------------|---------|-------|-----------------|----------------|
| ۰/۰۵۰۲۳ | ۰/۳۵۵۱۸ | ۳/۰۱۴۲ | ۵۰ | جابه‌جایی محدود | سرمایه اجتماعی |
| ۰/۰۲۸۲۶ | ۰/۳۴۶۰۶ | ۲/۹۴۸۸ | ۱۵۰ | تجمیع | |

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

جدول- ۹: آزمون t دو نمونه مستقل

| آزمون t برای میانگین‌ها | | | آزمون برابری واریانس‌ها | | سرمایه اجتماعی |
|-------------------------|-------------------------------|---------|-------------------------------|---------|----------------------------|
| میانگین اختلافات | معیار تصمیم برابری میانگین‌ها | آماره t | معیار تصمیم برابری واریانس‌ها | آماره F | |
| ۰/۰۵۶۳۳ | ۰/۲۵۲ | ۱/۱۴۹ | ۰/۶۸۱ | ۰/۱۷۰ | با فرض برابری واریانس‌ها |
| ۰/۰۶۵۳۳ | ۰/۲۶۰ | ۱/۱۳۴ | | | با فرض نابرابری واریانس‌ها |

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

جدول شماره ۹ شامل دو آزمون است، آزمون اول برابری واریانس‌ها با مقدار ۰/۱۷۰ برای آماره F و با معیار تصمیم ۰/۶۸۱ را نشان می‌دهد، بنابراین فرض برابری واریانس‌ها را نمی‌توان رد کرد. یعنی با توجه به اطلاعات این نمونه، واریانس سرمایه اجتماعی بین الگوی جابه‌جایی محدود و الگوی تجمیع باهم برابر است. دومین آزمون مقایسه میانگین‌ها است که با فرض برابری واریانس‌ها، معیار تصمیمی برابر ۰/۲۵۲ دارد. با فرض برابر نبودن واریانس‌های دو الگو نیز همین نتیجه حاصل خواهد شد. در هر دو صورت نتیجه این آزمون نشان‌دهنده آن است که بین الگوهای اسکان مجدد تفاوت معنی‌داری در زمینه میزان تغییرات سرمایه اجتماعی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در فرایند اسکان مجدد روستایی، متغیرهای اجتماعی به‌خصوص سرمایه اجتماعی نقش کلیدی ایفا می‌کند، چراکه هیچ پروژه‌ای بدون مشارکت مردم، رضایتمندی و اعتماد جوامع محلی شکل نمی‌گیرد؛ به‌عبارت‌دیگر، سرمایه اجتماعی با ایجاد همبستگی در بین افراد به‌عنوان منبع کنش‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف زندگی از سطح محلی (خرد) تا سطح حکومت (کلان) مطرح می‌شود و می‌تواند جامعه را در برخورد با مسائل تواناتر ساخته و کاهش آن منجر به بروز مسائل و معضلات حاد اجتماعی می‌شود.

تجربه نشان داده است، پروژه‌هایی که در آن مبادرت به جابه‌جایی و اسکان مجدد جمعیت خصوصاً به‌صورت غیر داوطلبانه می‌شود، به دلیل تخریب نظام‌های تولیدی، معمولاً مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی زیادی را موجب می‌شوند (Lovekamp & Arlikatti 2013, p470). در تحقیق حاضر ارزیابی نقش اسکان مجدد بر سرمایه اجتماعی منطقه مورد مطالعه با استفاده از سه شاخص اصلی (اعتماد، انسجام و مشارکت) انجام گردید.

در قلمرو اعتماد اجتماعی که با کمک گویه‌های قرض دادن وسایل به همسایگان، اعتماد به اهالی روستا، اعتماد نسبت به نهاد دهیاری، حساسیت مردم در خصوص مشکلات دیگران، اعتماد شخصی (از قبیل صداقت، وفا به عهد و...)، اعتماد به نهادها و سازمان‌های دولتی، ضمانت مالی همدیگر در دریافت وام، موردسنجش قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد در هر دو الگوی مورد مطالعه نسبت به قبل از جابه‌جایی مشاهده گردید. میانگین امتیاز اعتماد اجتماعی در الگوی جابه‌جایی و تجمیع، به ترتیب ۲/۸۳۷۱ و ۲/۵۱۵۹ است؛ که بیانگر کاهش میزان اعتماد اجتماعی در هر دو الگوی مورد مطالعه است. اکثر گویه‌ها در هر دو الگوی مورد بررسی با نظر کاملاً مخالف پاسخگویان مواجه شده‌اند، این نتایج با نتایج جلالیان و همکاران، ۱۳۹۲، توکلی، ۱۳۸۰ همسو است. در قلمرو همبستگی و انسجام اجتماعی یافته‌های حاصل از تجمیع گویه‌های تبیین‌کننده شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی، نشانگر عدم وجود تفاوت معنی‌دار این شاخص در هر دو الگوی مورد بررسی و حد متوسط گویه‌ها در سطح ۰/۰۵ است. میانگین امتیاز همبستگی و انسجام اجتماعی در دو الگوی جابه‌جایی و تجمیع، به ترتیب ۳/۰۰۶۸ و ۳/۰۰۸۱ است؛ که بیانگر عدم تغییر در وضعیت انسجام اجتماعی در هر دو الگو است، نتایج این تحقیق در قلمرو همبستگی و انسجام اجتماعی با جلالیان و همکاران، ۱۳۹۲ همسو نیست. همچنین نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل نشان‌دهنده عدم وجود اختلاف معنی‌دار شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی بین دو الگوی مورد مطالعه است.

مهم‌ترین تجلی روابط اجتماعی در سطح جوامع روستایی را می‌توان در روابط چهره به چهره ملاحظه نمود. این رابطه که منبعث از جمعیت اندک است باعث تقویت روابط غیرشخصی و غیررسمی می‌گردد. تجمیع چند روستا با یکدیگر در وهله نخست باعث افزایش جمعیت و گسترش دایره کنش متقابل اجتماعی می‌گردد. این امر سبب تغییر در ابعاد کنش متقابل، تغییر در فاصله اجتماعی، تغییر در شکل روابط در جوامع جدید شده است. تغییر در میزان روابط اجتماعی در سه روستای جابه‌جاشده به نسبت کمتر از الگوی تجمیع است.

در سه روستای جابه‌جاشده به صورت محدود خانوارها قبل از جابه‌جایی با توجه به روابط خویشاوندی در همسایگی هم زندگی می‌کردند؛ به عبارت دیگر بین همسایگان اهالی هر یک از روستاها، یک نوع روابط خویشاوندی حاکم بوده است؛ اما بعد از جابه‌جایی به علت توزیع زمین بین خانوارها به صورت قرعه‌کشی، زمینه دور شدن خانوارهای فامیل و خویشاوند از یکدیگر فراهم شده است که این مسئله تا حدودی باعث کاهش ارتباط بین خانوارهایی که پیوند خویشاوندی سببی یا نسبی دارند، شده است.

در قلمرو مشارکت اجتماعی که با کمک گویه‌های عضویت در نهادهای محلی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مختلف امور روستا، موردسنجش قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۵ بین الگوها مشاهده گردید. میانگین امتیاز مشارکت اجتماعی در دو الگوی جابه‌جایی و تجمیع، به ترتیب ۳/۱۹۸۶ و ۳/۰۰۸۱ است که بیانگر بهبود وضعیت مشارکت در سه روستای جابه‌جاشده است.

بررسی‌های میدانی بیانگر کاهش مشارکت در کارهای داوطلبانه و بدون دستمزد و افزایش مشارکت مالی در امور روستا در سایت پیشکمر است. این در حالی است که ساکنین تمامی روستاهای جابه‌جاشده معتقدند مشارکت مردم در طرح‌های عمرانی در صورتی که بار مالی برای اهالی نداشته باشد نسبتاً خوب است. میانگین مشاهده‌ای الگوهای جابه‌جایی و تجمیع به ترتیب ۳/۰۱۴ و ۲/۹۴۸ است که نشان‌دهنده این است که الگوی تجمیع، تأثیر نامطلوبی از نظر سرمایه اجتماعی بر جوامع مورد مطالعه داشته است.

پیشنهاد می‌شود ضمن توجه جدی به نهادهای اجتماعی و فرهنگی موجود در روستاها، حد امکان کارکردهای اجتماعی و فرهنگی سابق روستاها حفظ گردیده و در صورت صلاحدید کارشناسان مربوطه به ضرورت انجام برخی از تغییرات، باید گزینه‌های مناسب جایگزین گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود با انتخاب مدیران از بین مردم بومی و ساکنین مناطق جابه‌جاشده، زمینه‌های ارتقاء سطح اعتماد ساکنین فراهم شود. همچنین با گسترش و توسعه زیرساخت‌ها و تسهیلات احساس تعلق مکانی ساکنین را نسبت به سکونتگاه‌های جدید را بیشتر نمود.

منابع

- ۱- اردلان، علی و هلاکویی نایینی، کورش و کشتکار، عباسعلی و علی محمد زنگانه، (۱۳۸۵)، مدیریت خطر جامع مردم-محور بلایا در مناطق روستایی کشور: تعامل نظام شبکه بهداشتی-درمانی با جامعه و سایر سازمان‌ها، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیرمترقبه طبیعی.
- ۲- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، (۱۳۸۶)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی.
- ۳- اکبریان، مهدی و لیلا فتیحی، (۱۳۹۱)، مشارکت مردم؛ اساس توسعه اجتماعی، مجله تخصصی پژوهش و سلامت، دوره ۲، شماره ۱، صص ۸۹-۹۰.

- ۴- پاپ‌زن، عبدالحمید، علی‌آبادی، وحید و عباسی زاده قنواتی، محمدصادق، (۱۳۹۰)، **واکاری تأثیر دفاتر ICT روستایی بر میزان سرمایه اجتماعی روستائیان با رویکردی مقایسه‌ای**، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم، شماره ۴، ۱۱(۳): ۸۴-۹۴.
- ۵- پور طاهری، مهدی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و سید علی بدری، (۱۳۹۰)، **راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (با تأکید بر تجربیات جهانی و ایران)**، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- ۶- توکلی، جعفر، (۱۳۸۰)، **مروری بر نظریات و تجربیات موجود در زمینه تجمیع روستایی (قسمت اول)**، مجله جهاد، سال بیست و یکم، شماره ۲۴۴-۲۴۵، صص ۲۳-۱۵.
- ۷- جلالیان، حمید و سلیمانگلی، رضا و علی طورانی، (۱۳۹۲)، **بازخوانی تجربیات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی در معرض خطر با نگاهی به طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد مینودشت**، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۴، صص ۲۱۱-۱۷۹.
- ۸- خواجه دادی، قربان و اکبریان خوراسگانی، مهدی و محقق کمال، سید حسین و هادی عبدالله تبار درزی، (۱۳۸۵)، **سرمایه اجتماعی: حلقه مفقوده بازسازی پس از بلایا**، سومین کنگره بین‌المللی بهداشت، درمان و مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه تهران، سازمان بسیج جامعه پزشکی.
- ۹- دهقانی، محمد و حیوی حقیقی، محمدحسین و کیان پوری، ساناز و بلقیس شیبانی، (۱۳۹۳)، **رابطه بین سرمایه اجتماعی، رفتار شهروندی سازمانی و رضایت شغلی در بین پرستاران**، فصلنامه مدیریت پرستاری، سال سوم، دوره سوم، شماره اول، صص ۴۴-۳۵.
- ۱۰- رضوانی محمدرضا و کوبی، لیلا و حسین منصوریان، (۱۳۹۲)، **تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی (مطالعه موردی: شهرک زنجیران و شهرک ایثار - استان فارس)**، مسکن و محیط روستا، ۳۲ (۱۴۴)، صص ۸۷-۱۰۶.
- ۱۱- رفیعیان، مجتبی و احمدیان، رضا و عبدالجلیل قزل، (۱۳۹۰)، **بررسی معیارهای مکانی موثر در انسجام اجتماعی گروه‌های قومی شهر بندرترکمن**، نشریه جغرافیا، دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۱۵-۱.
- ۱۲- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و پور طاهری، مهدی و صادقلو، طاهره و حمدالله سجاسی قیداری، (۱۳۸۹)، **تحلیل عوامل مؤثر در مدیریت مشارکتی سیل در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده حوضه گرگان رود استان گلستان)**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره دوم، صص ۲۶-۱.
- ۱۳- شجاعی باغینی، م.م، (۱۳۸۷)، **مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی**، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- ۱۴- طالب، مهدی و زهره نجفی اصل، (۱۳۸۹)، *آموزه‌هایی از روند مشارکت روستایی در ایران*، پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۷-۴۸.
- ۱۵- فتحی، سروش و معصومه مطلق، (۱۳۸۹)، *رویکرد نظری بر توسعه پایدار روستایی مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات*، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم، صص ۴۶-۴۷.
- ۱۶- فیروزآبادی، احمد و حسین ایمانی جاجرمی، (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی-اجتماعی در شهر تهران*، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۶ شماره ۲۳، صص ۱۹۷-۲۲۴.
- ۱۷- فیروز نیا، قدیر و موسی کاظمی، سید مهدی و اعظم صادقی طاهری، (۱۳۹۰)، *مطالعه تأثیر ادغام روستا در شهر نمونه روستاهای ادغامی در شهر کاشان*، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۵، صص ۷۹-۹۶.
- ۱۸- کتابی، محمود و ادیبی سده، مهدی و قاسمی، وحید و ستار صادقی ده چشمه، (۱۳۸۹)، *سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهارمحال و بختیاری*، سال بیست و یکم، شماره پیاپی، ۴۰ شماره چهارم، صص ۹۷-۱۲۲.
- ۱۹- کیانی، اکبر و سلیمان میرزا پور، (۱۳۸۸)، *بررسی افتراق فضایی-مکانی شهر و روستا در ابعاد سرمایه اجتماعی*، فصلنامه فضای جغرافیایی، شماره ۲۸، صص ۱۴۷-۱۲۵.
- ۲۰- کلمن، جیمز، (۱۳۸۶)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه صبوری، نشر نی، چاپ اول.
- ۲۱- مسگری هوشیار، سارا، (۱۳۸۷)، *ارزیابی بازسازی سکونتگاه‌های روستایی استان اردبیل پس از زلزله ۱۳۷۵*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بازسازی پس از سانحه، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۲- مشیری، فرخ، (۱۳۹۰)، *رویکرد انسانی در جابه‌جایی سکونتگاه‌ها در برنامه‌های آبادانی منطقه‌ای*، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵، صص ۸۵-۱۰۴.
- ۲۳- منتظریون، مریم، (۱۳۹۰)، *بررسی فرآیند جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی در برنامه بازسازی پس از سیل ۱۳۸۴ شرق استان گلستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بازسازی پس از سانحه، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۴- منظور، داوود و مهدی یادی پور، (۱۳۸۷)، *سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی*، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۵، صص ۱۶۲-۱۴۰.
- 25- Agba, A. M. Ogaboh, J. J. Akpanudoedehe and E. M Ushie. (2010). **Socio-Economic and Cultural Impacts of Resettlement on Bakassi People of Cross River State, Nigeria**. Studies in Sociology of Science Vol. 1, No. 2, pp. 50-62.
- 26- Aldrich, D. P. (2012). 'Social Capital in Post Disaster Recovery: Towards a Resilient and Compassionate East Asian Community', in Sawada, Y. and S. Oum (eds.), *Economic and*

- Welfare Impacts of Disasters in East Asia and Policy Responses.** ERIA Research Project Report 2011-8, Jakarta: ERIA. Pp.157-178.
- 27- Barrett, c. (2008). *Dynamic poverty traps and rural livelihoods. In rural livelihoods and poverty reduction poverty policies*, London, routledge.
- 28- Chuang Y.C, Chuang K.Y. (2008). **Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan.** *Social science and Medicine*. 3: 1321- 1330.
- 29- EM-DAT. 2014. **The OFDA/CRED International Disaster Database.** University Catholique de Louvain-Brussels-Belgium.
- 30- Falk, I, Kilpatrick, S. (1999). **What is social capital?** A study of interaction in a rural community: university of Tasmania, Launceston.
- 31- Filizm ,G. (2003). **From migrant social capital to community development:** A relational account of migration, remittances and inequality, Ph.D, Princeton University, 36-Gootaert, c. 1998, social capital: the missing link?, social capital –initiative working paper no5, the World Bank, Washington.
- 32- GUHA-SAPIR, D. et al. (2012). **Annual Disaster Statistical Review 2011**, the numbers and trends. Brussels: CRED: Centre for Research on the Epidemiology of Disasters, IRSS: Institute of Health and Society, Université Catholique de Louvain.
- 33- Kilpatrick ,S. (2003). **The role of VET in building social capital for rural community Development in Australia.** Symposium on education for rural transformation International Research and Training Centre for Rural Education .Australia. 21 January.
- 34- Lane ,B, Dorfmon ,D. (1997). **Strengthening Community Networks:** The Basis for Sustainable Community Renewal. Program Report. ED 444 777.
- 35- Lovekamp, William E. and Sudha Arlikatti. (2013). **“Social Change and Empowerment.”** Social Vulnerability to Disasters, 2nd ed, edited by D.S.K. Thomas, B.D. Phillips, W.E. Lovekamp, and A. Fothergill, pp. 447-472. Boca Raton, FL: CRC Press.
- 36- Navarra, Melissa Quetulio; Anke Niehof and Wander van der Vaart. (2013). **Social Capital in Involuntary Displacement and Resettlement.** International Journal of Social Sciences and Humanity Studies. Vol 5, No 2.
- 37- Patterson, O, Weil, F. and Patel, K.(2010). **The Role of Community in Disaster Response:** Conceptual Models, Popul Res Policy Rev (2010) 29:127–141.
- 38- Peek, Lori; Alice Fothergill; Jessica W. Pardee and Lynn Weber.(2014). **Studying Displacement:** New Networks, Lessons Learned. Sociological Inquiry, Vol. 84, No. 3, pages 354–359.
- 39- Pelling, M. (2003). **The Vulnerability of Cities:** Natural Disaster and Social Resilience, Earthscan Publications Ltd.
- 40- Sharifi, F, Samadi. S. Z, and Wilson C. (2012). **Causes and consequences of recent floods in the Golestan catchments and Caspian Sea regions of Iran.** Natural Hazards. Volume 61, Issue 2, pp 533-550.

- 41- Spelleberg ,A. (2001), **Framework for the measurement of social capital in New Zealand**, New Zealand statistics.
- 42- World Bank. (2010). **Safer Homes**, Stronger Communities. Resources for Reconstructing Housing and Communities after Natural Disasters.
- 43- Zahran, Sammy; Lori Peek; Jeffrey G. Snodgrass; Stephan Weiler; and Lynn Hempel. (2011). **Economics of Disaster Risk**, Social Vulnerability, and Mental Health Resilience. Risk Analysis, Vol. 31, No. 7.